



## تفاوت بین «بهوپال» و «نیویورک»

نوزده سال پیش، در اولین دقایق صبح ۳ دسامبر ۱۹۸۴، انفجار تانکی در کارخانه‌ی شیمیایی شرکت «یونیون کارباید»<sup>۱</sup> منجر به بدترین تصادف صنعتی در تاریخ جهان شد. در اولین ساعات پس از این حادثه در شهر «بهوپال» (Bhopal)، در استان «مادهیا پرادش» هندوستان، حدود ۸۰۰۰-۷۰۰۰ نفر کشته شدند! در کل حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر دیگر نیز تحت تأثیر گازی که در آتمسفر پخش شده بود به انواع و اقسام بیماری‌ها مبتلا شدند. تا پایان سال ۱۹۹۹ «دفتر کمیسیونر طبی» بهوپال مرگ ۲۲۱۴۹ از ساکنین شهر را مستقیماً به این حادثه ربط داد! هنوز در هیچ دادگاهی گناهگاران این «تصادف» محکوم نشده‌اند. و به غیر از پرداخت چند صد میلیون دلار، که برای یک شرکت عظیم آمریکایی که در سطح بین‌المللی فعالیت دارد مبلغی بسیار ناچیز بوده، صاحبان و مدیران آن از مسئولیت در آن مورد شانه خالی کرده‌اند!

### در آن شب چه اتفاقی افتاد؟

در شب ۲ دسامبر ۱۹۸۴ تانک شماره ۶۱۰، که بنا بر قوانین خود «یونیون کارباید» هیچ وقت نمی‌بایست بیش از نصفی پُر باشد، ۹۰ درصد پُر بود. محتوای

---

<sup>۱</sup> - Union Carbide در سال ۱۹۹۹ با شرکت Dow Corning «داو کورنینگ» ادغام شد. «داو کورنینگ»، که اکنون بزرگ‌ترین شرکت شیمیایی جهان بوده و سالانه فروش تولیدات آن حدود ۳۰ میلیارد دلار بوده، سیاست سلب مسئولیت «یونیون کارباید» را ادامه داده است.

تانک حداقل ۴۰ تن «متیل آیسوسایننت» (methyl isocyanate, MIC) مرگ آور، که در تولید حشره کش استفاده شده، می‌بود. شکست سوپاپی، آب وارد این تانک کرده بود. سیستم خنک سازی کارخانه از کار افتاده بود و، به دلیل صرفه جویی، تعداد افراد شیفت شبانه در بخش MIC از شش به دو نفر کاهش یافته بود. بلافاصله پس از اینکه شیفت شبانه متوجه افزایش فشار در درون تانک MIC شد، آن تانک منفجر شد. گاز مرگ آوری به سوی حلبی آبادهای حومه کارخانه پخش شد. MIC شروع به تجزیه به اجزاء متفاوت خود شد، که یکی از آن‌ها اسید هیدروسیانیک می‌باشد. این اسید ارگان‌های داخل بدن را، به خصوص شش‌ها، قلب و مغز را متلاشی می‌کند، و از انتقال اکسیژن در خون جلوگیری می‌کند. قربانیان این اسید در واقع در خون و دیگر مایه‌های بدن خود «غرق» می‌شوند.

### چنین حادثه‌ای چگونه ممکن است؟

سوالی که در ذهن هر فرد سالم طرح شده، این می‌باشد: چنین حادثه‌ای چگونه ممکن است؟ و جواب آن نیز این می‌باشد: این «حادثه» نتیجه‌ی منطقی‌ی نظام سرمایه‌داری بود. چون که در نظام سرمایه داری تولید برای افزایش سود سرمایه داران و نه بر اساس رفع نیاز کارگران صورت می‌گیرد! از آن جایی که در کل کارخانه بازرسی کارکرد دستگاه‌ها و امکانات درهم و برهم بود، و مدت کارآموزی از شش ماه به ۱۵ روز کاهش یافته بود(!)، و اکثر سیستم‌های ایمنی به دلیل کاهش مخارج تولید، خاموش شده بودند.

### مسئولین این فاجعه به مردم چه کمکی کردند؟

اولین عکس العمل صاحبان و مدیران «یونیون کارباید»، مانند دیگر سرمایه‌داران در طول تاریخ، این بود که از مسئولیت خود کاملاً شانه خالی کنند. آن‌ها اول سعی

کردند این فاجعه را به گردن تروریست های «سیک»<sup>۲</sup> - که خواهان جدایی از هندوستان بوده - بیادازند. پس از این که نتوانستند آن حادثه را به عنوان عمل تروریستی جا بزنند، چند روز بعد ادعا داشتند که تانک مذکور از سوی "کارگری ناراضی سابوتاژ شده بود". پس از این دو «داستان»، مدیریت در این مورد سکوت کرد. و مدیریت «داؤ کورنینگ»، که از لحاظ قانونی می‌بایست که مسئولیت خطاهای شرکتی را که خریداری کرده به گردن گیرد، از این کار پرهیز کرده است. آن‌ها حتی سایت اینترنتی [www.bhopal.com](http://www.bhopal.com) را ایجاد کرده که موضع خود - "مسئولیتی در این مورد نداریم" - را تبلیغ کند.<sup>۳</sup>

### پرداخت غرامت چه شد؟

مسئله‌ی پرداخت غرامت به مشکلات متعددی در مورد نحوه‌ی محاسبه آن برخورد کرده است. بسیاری از مردم هندوستان معتقد به آن بوده که قربانیان می‌بایست که همانند شهروندان آمریکایی غرامت دریافت کنند. ولی در سال ۱۹۸۶ وکلای «یونیون کارباید» موفق به آن شدند که یک دادگاه آمریکایی را قانع کنند که آن دادگاه اعلام کند که خود دارای صلاحیت تعیین این که جان یک انسان در کشورهای عقب افتاده چه ارزشی دارد، نبوده است. بنابر این قضاوت، پرونده‌های دادستانی به هندوستان منتقل شدند. در وهله اول دولت هندوستان خواهان ۳/۲ میلیارد دلار غرامت بود، و یکی از قاضیان «بهوپال» حکم پرداخت مبلغ فیمابین ۳۰۰ میلیون دلار از سوی

---

<sup>۲</sup> - بخشی از تابعان مذهب «سیک» خواهان جدایی از هندوستان و تشکیل «خالستان» می‌باشند. اقلیتی این سیاست را با استفاده از روش‌های تروریستی دنبال می‌کردند.

<sup>۳</sup> - این سایت ربطی به [www.bhopal.net](http://www.bhopal.net) که سایت «کمپین بین المللی برای عدالت در بهوپال» و [www.bhopal.org](http://www.bhopal.org) «فراخوان طبیی بهوپال» ندارد. در سایت «داؤ کورنینگ»، با اینکه گفته می‌شود که این شرکت به طور کامل صاحب «یونیون کارباید» می‌باشد، ولی خود مسئولیت عملکرد آن را قبول ندارد!

«یونیون کارباید» برای بهبود بلافاصله قربانیان را صادر کرد. «یونیون کارباید» زیر بار این قضاوت نرفته و آن را در دادگاه استان «مادهیا پرادش»، و سپس در دادگاه عالی هندوستان، زیر سنوال برد.

در سال ۱۹۸۹، زمانی که دادگاه عالی هنوز پرونده «یونیون کارباید» را بررسی می کرد، دولت هندوستان مستقیماً با «یونیون کارباید» معامله کرده و بر مبلغ ۷۰ میلیون دلار توافق کرد.<sup>۴</sup> و از ۷۰ میلیون که دولت هندوستان از «یونیون کارباید» دریافت کرد حدود ۲۴۰ میلیون آن هنوز در حساب های بانکی دولت باقی مانده اند!

### تراژدی ادامه دارد!

کل تراژدی «بھوپال» در آن نهفته که در نظام سرمایه داری معیار اصلی و تعیین کننده تمامی تصمیمات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جامعه بر اساس سود می باشند! این تصادف به دلیل این صورت گرفت که این شرکت به خوبی می دانست که استانداردهای ایمنی برای حفاظت کارگران و ساکنین محلات نزدیک به کارخانه ها (و هم چنین محیط زیست) در کشورهایی مانند هندوستان بسیار کمتر و «آزادتر» از کشورهایی مانند آمریکا می باشند. «یونیون کارباید»، مانند هر شرکتی از کشورهای امپریالیستی که در کشورهای عقب افتاده سرمایه گذاری کرده، خواهان به حداکثر رساند سود خود می باشد. کارخانه «بھوپال» آن نیز نزدیک شهر و بدون توجه به مسایل ایمنی ساخته شده و در حال فعالیت بود.

---

<sup>۴</sup> - برای این که این مبلغ را در چارچوب مناسب خود قرار دهیم می بایست که آن را با تصادف تانکر نفت «اکسون و آلدن» مقایسه کنیم. در آن حادثه، با وجود این که به محیط زیست ساحل ایالت آلاسکا صدمات عظیمی زده شد، ولی کسی کشته نشد. ولی، به خاطر این که مسئولیت این تصادف بر اساس قوانین آمریکا تعیین شد، شرکت نفت «اکسون» مجبور به پرداخت بیش از ده برابر آن مبلغ شد!

به اضافه تمامی این کمبودهای قانونی، مقامات هندوستان خواهان آن نبوده که صاحبان و مدیران این کارخانه را دادگاهی کنند - چون که این کار شاید بر «جلب سرمایه خارجی» در آینده اثر منفی بگذارد! «یونیون کارباید» آخر سر شهر «بهوپال» را در سال ۱۹۹۹ ترک کرد. میراث سرمایه‌گذاری خارجی برای تولید حشره کش و افزایش محصولات کشاورزی چه بوده؟ ۵۰۰۰ تن مواد شیمیایی که در محل کارخانه باقی مانده و سالیان سال وارد خاک و آب در حومه کارخانه شده‌اند. همراه با لوله های زنگ زده، کیسه‌های ضایعات شیمیایی، تانک‌های له شده، گودهایی که در آن‌ها جیره ریزش کرده، و جمعیت وسیعی از شهر که به بیماری‌های متعدد مبتلا شده، و دسترسی به پول برای معالجه نداشته و قادر به کار نیز نمی‌باشند(!)، باقی گذاشته است. کابوس زنده و دردناک آن شهر هنوز به صورت کودکانی که با «دفورماسیون»های هولناک به دنیا آمده و در مدت حیات کوتاه خود هیچ گاه از درد و بیماری خلاص نمی‌یاشند. این هشدار بوده به کارگران تمامی کشورهای عقب افتاده که بورژوازی آن‌ها بی‌وقفه از سرمایه داری غربی پشتیبانی می‌کند! اعمال استانداردها فقط از طریق فعالیت متشکل و با برنامه‌ی کارگران تحقق خواهد یافت. استانداردهای بین‌المللی هیچ‌گاه «کامل» نبوده، و همان استانداردهای محدودی که آمریکا و اروپا حکم فرما بوده در کشورهای عقب افتاده به راحتی زیر پا گذاشته می‌شوند تا مبادا «جلوی سود» را بگیرند!

\*\*\*\*\*

در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ یک تراژدی دیگر انسانی در نیویورک به وقوع پیوست. تراژدی‌ای که با وجود این که واکنشی ارتجاعی به سیاست‌های از سر تا پا ارتجاعی امپریالیزم آمریکا در خاورمیانه بود، منجر به آن شد که بورژوازی آمریکا بلافاصله بتواند برنامه‌هایی را که مورد نظر داشت تحت عنوان "دفاع از خود" و "برای شکست تروریزم" در آسیای میانه، خاورمیانه، و هر جای دیگری که

تشخیص دهد که تروریست‌هایی وجود دارند، به عمل گذاشته و هر نوع انتقاد را هم به طور تهدیدآمیز به کنار گذارد. کشته شدن کمی کمتر از ۳۰۰۰ نفر بی گناه، اگر بتواند مورد سوءاستفاده پورژوازی برای حمله به توده‌های زحمتکش در سراسر جهان و کاهش حقوق دموکراتیک کارگران، کارکنان و اقلیت‌های ملی در آمریکا و اروپا- قرار گیرد، منجر به کمپین‌های نظامی متعدد و دو جنگ قرار می‌گیرد. در مقابل، اگر هفت برابر کارگران و توده‌های تحت استثمار کشته شوند، و مورد سوءاستفاده نباشد، منجر به دو جنگ در دو سال نمی‌شود: منجر به ادامه‌ی کابوسی به شکل افرادی که پس از ۱۹ سال هنوز منتظر معالجه می‌باشند، ادامه دارد.

مراد شیرین

m\_shirin@yahoo.com

۱۳ آذر ۱۳۸۲ - ۴ دسامبر ۲۰۰۳

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN , London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: [yasharazarri@yahoo.com](mailto:yasharazarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴

---

° - تعداد کشته شدگان غیر نظامی در افغانستان تا مارس ۲۰۰۲، یعنی بیش از یک سال و نیم پیش، به بین ۳۴۰۰-۳۰۰۰ رسیده بود. در عراق تا به حال بین ۹۷۵۸-۷۹۲۷ کشته شده‌اند!